



Demonology in Prophetic Narrations: A Reflection of the Theological Thought of Textualist Discourse on the Nature, Capabilities, and Limitations of Iblis

Alimohammad Heidarsarlak ^{a*}

^a Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran

KEY WORDS

Prophetic Narrations,
Theological Discourse,
Demonology

Received: 17 December 2024;

Accepted: 12 March 2025

Article type: Research Paper

DOI:10.22034/thr.2025.2048371.1070

ABSTRACT

The issue of understanding the nature and characteristics of Iblis (Satan) is one of the most important topics in the field of Islamic demonology. This subject has been extensively addressed in prophetic narrations and is reflected in the theological thought of the Ahl al-Hadith school. The present research aims to identify and analyze the nature and characteristics of Iblis based on the narrations of the Prophet Muhammad (PBUH) in reliable hadith sources from both Shia and Sunni traditions. The main research questions include the following: How is the existential nature of Iblis explained in prophetic narrations? What are the limits of Iblis's power and influence? What are the strategies to counter him? The main hypothesis of this research is that prophetic narrations introduce Iblis as a real being with the power to influence humans, who despite his abilities, has specific limitations. This research has examined the narrations in Shia and Sunni hadith sources using a descriptive-analytical method. The findings show that Iblis, before his disobedience, was named 'Harith' and his power of influence works through temptation, not through creation or genesis. The most important strategies to counter him are remembrance of God, seeking forgiveness, and performing righteous deeds. Considering that the Ahl al-Hadith school has been the most authentic theological school in Islam beyond merely narrating traditions, and great hadith scholars such as Bukhari and Muslim in Sunni tradition and Kulayni and Saduq in Shia tradition have presented their theological views in the form of hadith books, the findings of this research can also be considered as a reflection of this school's theological thoughts on demonology.

* Corresponding author.

E-mail address: dr.heidarsarlak@goums.ac.ir

©Author





شیطان‌شناسی در روایات نبوی؛ بازتاب اندیشه کلامی گفتمان نص‌گرایی درباره ماهیت، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ابلیس

علی محمد حیدر سرلک الف*

الف استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران، dr.heidarsarlak@goums.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
روایات نبوی، گفتمان کلامی، شیطان‌شناسی	مسأله شناخت ماهیت و ویژگی‌های ابلیس از مهم‌ترین مباحث در حوزه شیطان‌شناسی اسلامی است. این موضوع در روایات نبوی به تفصیل مورد توجه قرار گرفته و در اندیشه کلامی گفتمان نص‌گرایی بازتاب یافته است. پژوهش حاضر با هدف شناخت و تحلیل ماهیت و ویژگی‌های ابلیس با تکیه بر روایات پیامبر اکرم (ص) در منابع حدیثی معتبر فریقین انجام شده است. پرسش‌های اصلی عبارتند از: ماهیت وجودی ابلیس در روایات نبوی چگونه تبیین شده است؟ حدود قدرت و نفوذ ابلیس چیست؟ راهکارهای مقابله با او کدامند؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که روایات نبوی، ابلیس را موجودی حقیقی با قدرت تأثیرگذاری بر انسان معرفی می‌کنند که علی‌رغم توانایی‌هایش، محدودیت‌های مشخصی دارد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی روایات در منابع حدیثی شیعه و سنی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد ابلیس پیش از عصیان، "حارث" نام داشته و قدرت نفوذ او از طریق وسوسه است، نه خلق و تکوین. مهم‌ترین راهکارهای مقابله با او، ذکر خدا، استغفار و اعمال صالح است. با توجه به اینکه گفتمان نص‌گرایی، فراتر از صرف نقل روایات، اصیل‌ترین مکتب کلامی در اسلام بوده و محدثان بزرگی چون بخاری و مسلم در اهل سنت و کلینی و صدوق در شیعه، دیدگاه‌های کلامی خود را در قالب کتب حدیثی ارائه کرده‌اند، یافته‌های این پژوهش را می‌توان بازتاب اندیشه‌های کلامی این مکتب درباره شیطان‌شناسی نیز دانست.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲

مقاله علمی پژوهشی

۱. مقدمه

در گفتمان کلامی اسلامی، به‌ویژه در مکتب نص‌گرایی، شناخت ماهیت و ویژگی‌های ابلیس از اهمیت بنیادینی برخوردار است. این مکتب، با تکیه بر متون وحیانی و روایات نبوی، رویکردی منحصر به فرد در فهم و تبیین هستی‌شناسی شیطان ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر در صدد است تا با بررسی دقیق روایات پیامبر اکرم (ص)، ماهیت، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ابلیس را از منظر گفتمان نص‌گرایی مورد واکاوی قرار دهد.

مسأله محوری این پژوهش، تحلیل تطبیقی و عمیق روایات نبوی درباره ابلیس در چارچوب گفتمان کلامی نص‌گرایی است. این رویکرد، بر خلاف گرایش‌های تأویلی و فلسفی، به ظواهر متون دینی و روایات اتکا می‌ورزد و در پی فهمی مستقیم و غیر تکلفی از ماهیت شیطان است. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. چگونه گفتمان نص‌گرایی، ماهیت وجودی ابلیس را در روایات نبوی تبیین می‌کند؟

۲. حدود قدرت و نفوذ ابلیس از منظر این گفتمان کلامی کدام است؟

۳. چه محدودیت‌هایی برای شیطان در روایات نبوی مشخص شده است؟

فرضیه اصلی پژوهش آن است که گفتمان نص‌گرایی، ابلیس را موجودی حقیقی می‌داند که قدرت او منحصرأ به وسوسه و القای افکار محدود می‌شود. این گفتمان بر آن است که شیطان فاقد توان خلق و تکوین است و صرفاً ابزاری برای آزمایش انسان محسوب می‌شود.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. روایات مرتبط از منابع حدیثی معتبر شیعه و سنی استخراج و با رویکرد نص‌گرایانه تحلیل خواهند شد. نوآوری پژوهش در تمرکز بر روایات نبوی، بررسی تطبیقی آنها و ارائه تصویری منسجم از شیطان‌شناسی در گفتمان نص‌گرایی نهفته است.

هدف نهایی این پژوهش، ارائه درکی عمیق و نظام‌مند از ماهیت ابلیس بر اساس روایات نبوی و از دریچه گفتمان نص‌گرایی است. این رهیافت می‌تواند راهگشای فهم دقیق‌تر مفهوم شیطان در سنت اسلامی باشد و افق‌های جدیدی را در مطالعات کلامی و روایی بگشاید. در مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی این پژوهش، گفتمان نص‌گرایی در کنار دو واژه اصلی «ابلیس» و «شیطان» نیازمند واکاوی دقیق‌تر است:

گفتمان نص‌گرایی یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین جریان‌های فکری-کلامی در تاریخ اسلام به شمار می‌رود. این گفتمان با عناوینی چون اصحاب حدیث، سلفیه، اهل اثر یا اهل نص در میان اهل سنت و با عناوینی مانند مکتب قم، اصحاب حدیث و اخباری شناخته می‌شوند. گفتمان مذکور در علم کلام؛ رویکرد متمایزی نسبت به فهم عقاید اسلامی دارد که اساس آن اتکا به نصوص قرآنی و روایات صحیح بدون تأویل و تفسیر عقلی افراطی است. از ویژگی‌های اصلی این مکتب می‌توان به اعتماد به ظواهر آیات و روایات در مسائل اعتقادی، پرهیز از تکلف در تبیین مسائل کلامی پیچیده، و مخالفت با جریان‌های کلامی متکی بر فلسفه یونانی اشاره کرد. محدثان بزرگی چون احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ ق) و محمد بن اسماعیل بخاری (م. ۲۵۶ ق) در اهل سنت و محمد بن یعقوب کلینی (م. ۳۲۹ ق) و محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (م. ۳۸۱ ق) در شیعه، از شاخص‌ترین نمایندگان مکتب کلامی برآمده از این گفتمان به شمار می‌روند. آنچه این محدثان را از صرف نقالان حدیث متمایز می‌سازد، ارائه نظام‌های اعتقادی منسجم در لابلای کتب حدیثی است. این گفتمان با وجود رویکرد ظاهرگرایانه، نظام فکری منسجمی در موضوعات مختلف کلامی از جمله توحید، نبوت، معاد، صفات الهی و حتی شیطان‌شناسی ارائه داده که قابلیت بازخوانی و تحلیل نظام‌مند را داراست. در همین راستا، پژوهش حاضر با بررسی روایات منقول از پیامبر (ص)، در صدد شناخت و معرفی شیطان از منظر این گفتمان کلامی، به‌ویژه با تکیه بر دیدگاه‌های منقول از اهل حدیث، است (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۷، ۵۶۸-۵۶۳ و دهقانی و دیگران، ۱۴۰۲، ۲۳۵-۲۳۷).

درباره ریشه لغوی واژه ابلیس میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را واژه‌ای عربی و به معنای «ناامید» می‌دانند (ابن منظور، بی‌تا، ۲۹ / ۶). در مقابل، گروهی دیگر معتقدند این واژه برگرفته از کلمه یونانی «دیبولوس» (diabolos) به معنای «شکایت کننده» است (بجنوردی، ۱۳۷۷، ۵۹۲ / ۲؛ مشرقی، بی‌تا، ۲).

در قرآن کریم، واژه ابلیس یازده بار به کار رفته که از این تعداد:

۱. نه مورد در ارتباط با داستان آفرینش آدم و فرمان سجده است (البقره: ۳۴)؛ (الاعراف: ۱۱)؛ (الحجر: ۳۲-۳۱)؛

(الاسراء: ۶۱)؛ (الکھف: ۵۰)؛ (طه: ۱۱۶)؛ (ص: ۷۴-۷۵).

۲. یک مورد درباره پیروی قوم سبا از اوست (سبا: ۲۰).

۳. یک مورد نیز به سرانجام او و پیروانش در روز قیامت اشاره دارد (الشعراء: ۹۵)

واژه شیطان نیز که در قرآن بیشتر به جای ابلیس استفاده شده (قرشی، ۱۳۷۱، ۲۲۶ / ۱)، به حدی پرکاربرد است که می‌توان آن را «علم بالغلبه» برای ابلیس دانست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۲۱ / ۷). از نظر لغوی، شیطان به معنای «هر سرکش طغیانگر اعم از جن، انسان یا جانور» است (ابو عبیده، بی‌تا، ۳۲ / ۱).

نکته قابل توجه آنکه پیش از نافرمانی ابلیس، نام او «حارث» بوده است (فیض، ۱۳۶۸، ۱۱۶ / ۱). این تنوع نام‌ها نشان می‌دهد که واژگان ابلیس و شیطان در اصل صفاتی بوده‌اند که به دلیل کثرت استعمال، جایگزین نام اصلی شده‌اند.

۲. ماهیت و حقیقت ابلیس

در خصوص ماهیت و حقیقت ابلیس، سه دیدگاه عمده در میان متکلمان و مفسران اسلامی وجود دارد. این دیدگاه‌ها، که هر کدام بر مبنای تفسیر آیات قرآن و روایات شکل گرفته‌اند، به بررسی منشا و جایگاه ابلیس در نظام هستی می‌پردازند. گروه نخست، که از جمله امامیه (طبرسی، ۱۳۷۷، ۱۸۹ / ۱) و معتزله (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۴۲۸ / ۲) را شامل می‌شود، ابلیس را از جنس جن می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر آیه صریح قرآن است که می‌فرماید: «فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ؛ پس همگی سجده کردند مگر ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد» (الکھف: ۵۰). این آیه به روشنی بیان می‌کند که ابلیس از جنس فرشتگان نبوده، بلکه از گروه جنیان بوده است. طرفداران این نظریه، علاوه بر این آیه، به برخی روایات نیز استناد می‌کنند که در آنها ابلیس به عنوان «ابوالجن» (پدر جن) معرفی شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۷۷ / ۸). در این دیدگاه، ابلیس نقطه مقابل حضرت آدم، ابوالبشر، قرار می‌گیرد و به عنوان موجودی که منشاء شر و وسوسه است، معرفی می‌شود. این گروه بر این باورند که جنیان، بر خلاف فرشتگان، دارای اختیار بوده و قدرت سرپیچی از فرمان خداوند را داشته‌اند. از این رو، ابلیس به دلیل نافرمانی، از درگاه الهی رانده شده است. گروه دوم، با استناد به ظاهر برخی آیات، ابلیس را از فرشتگان می‌دانند. این گروه به آیاتی مانند «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ؛ و چون به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، جز ابلیس، همه سجده کردند» (البقره: ۳۴) استناد می‌کنند. به نظر می‌رسد که در این آیه، ابلیس در زمره فرشتگان آورده شده است، چرا که فرمان سجده، خطاب به فرشتگان بوده است و استثناء شدن ابلیس از این جمع، به این معناست که او نیز پیش‌تر جزء فرشتگان بوده است. بیشتر صحابه و تابعین از این گروه هستند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۳۱ / ۱). این گروه، برای توجیه آیه سوره الکھف، تفاسیر مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی بر این باورند که منظور از «کان من الجن» این است که ابلیس از جنس ملائکه بوده است که دارای خصوصیات جنیان (مانند اختیار و سرکشی) هستند، نه اینکه او از گروه جنیان بوده باشد. برخی دیگر نیز معتقدند که ابلیس قبل از نافرمانی، در زمره ملائکه بوده و پس از سرپیچی، به صورت جن درآمد است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۴۲۸-۴۳۰ / ۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ۱۸۹-۱۹۰ / ۱). دیدگاه سوم، که تا حدی ترکیبی از دو دیدگاه قبلی است، معتقد است که ابلیس در ابتدا از ملائکه بوده، اما پس از نافرمانی، مسخ شده و به جرگه جنیان پیوسته است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۴۷۲ / ۲۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۷۷ / ۸). این دیدگاه، تلاش می‌کند تا بین آیات سوره

البقره و سوره الکهف جمع کرده و به نوعی تبیین سازگاری بین آنها ارائه کند. بر اساس این تفسیر، ابلیس به عنوان فرشته‌ای مقرب، به فرمان خداوند سجده نکرده و در نتیجه، به دلیل نافرمانی و تکبر، از جایگاه خود سقوط کرده و به موجودی از جنس جن تبدیل شده است. در مقابل این سه دیدگاه اصلی، برخی نیز ابلیس را صرفاً غریزه شرخواهی انسان یا یک تمثیل می‌دانند (مراغی، ۱۳۶۵، ۸۸ / ۱ و ۱۶۱ / ۱۵). آنها معتقدند که داستان سجده بر آدم یک قصه و تمثیل است که برای بیان برخی حقایق اخلاقی و تربیتی آورده شده است. (مراغی، ۱۳۶۵، ۷۹ / ۱). اما تعابیر قرآن، ابلیس را به صراحت موجودی حقیقی، نه پنداری و نه همان نفس اماره، معرفی می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۸ / ۸) زیرا خداوند، ابلیس را به صورت مشخص به آدم و حوا شناسانده است: «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوُّكَ وَلَزُوجُكَ؛ پس گفتیم: ای آدم، این [=ابلیس] دشمن تو و همسر توست» (طه: ۱۱۷) و همچنین، گفت‌وگوهای میان آدم و ابلیس، مانند «هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ؛ [شیطان به آدم گفت: آیا درخت جاودانگی را به تو نشان دهم؟]» (طه: ۱۲۰) و «فَأَسْمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ؛ و [شیطان] برای آندو [آدم و حوا] سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم» (الاعراف: ۲۱)، نشان می‌دهد که ابلیس موجودی واقعی با توانایی سخن گفتن و وسوسه‌گری بوده است. روایات متعددی نیز از تمثیل و سخن گفتن ابلیس با پیامبرانی چون آدم، نوح و ابراهیم و شنیدن صدای او از سوی امامان معصوم (ع) حکایت دارند (میبدی، ۱۳۷۱، ۱۹۰-۱۹۱ / ۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۴-۶۶ / ۸). در یک جمع‌بندی با نظر به مستندات و دلایل دیدگاه‌های فوق می‌توان گفت: در بین دیدگاه‌های موجود، دیدگاه اول یعنی جن بودن ابلیس از قوت بیشتری برخوردار است، چرا که مستند به نص صریح قرآن است و دیدگاه‌های دیگر، از قیاس و تعابیر ثانویه استنباط شده‌اند و لذا ابلیس موجودی واقعی است که نقش مهمی در امتحان و آزمایش انسان‌ها ایفا می‌کند و شناخت ماهیت و محدودیت‌های قدرت او، برای مقابله با وسوسه‌هایش و پیمودن راه سعادت ضروری است. ابلیس موجودی است که نه به صورت مستقل، بلکه در حیطه حاکمیت خداوند، انسان‌ها را به شر و گناه فرا می‌خواند. وجود او در نظام هستی، بر اساس سنت اختیار است و هدف نهایی آن، سعادت نوع انسان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۵-۴۴ / ۸؛ میبدی، ۱۳۷۱، ۷۰۰-۷۰۲ / ۲). خداوند با آفرینش ابلیس، زمینه امتحان و آزمایش انسان‌ها را فراهم کرده است تا با غلبه بر وسوسه‌های شیطانی، به کمال و سعادت دست یابند. ابلیس و پیروانش دارای حزب و لشکریانی بوده (المجادله: ۱۹؛ الشعراء: ۹۵)، و سواره و پیاده نظام نیز دارند. (الاسراء: ۶۴) (آلوسی، ۱۴۱۵، ۲۷۸-۲۷۹ / ۸؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ۱۳۷ / ۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۶۱-۶۲ / ۸) اما علی‌رغم وجود تلاش‌های مستمر ابلیس برای گمراه کردن انسان‌ها، قدرت او محدود است. او نمی‌تواند در وحی اخلاص ایجاد کند. (الشعراء: ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲) (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۵۳۵ / ۲۴ و ۳۱۸-۳۲۰ / ۲۶) همچنین، هیچ نقشی در آفرینش جهان نداشته و هیچ سلطه‌ای بر بندگان مخلص خدا ندارد (الکهف: ۵۱ و الحجر: ۴۲ و نگ: طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۲۶-۳۳۰ / ۱۳ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۴۵ / ۱۹) و در نهایت، جهنم جایگاه نهایی او و پیروانش خواهد بود (الاعراف: ۱۸).

۳. یافته‌ها

بر اساس روایات نقل شده از پیامبر اسلام (ص) - صرف نظر از مذهب راوی (سنی یا شیعه) و اعتبار سند - ابلیس را می‌توان با ویژگی‌های خاصی معرفی کرد:

۱.۳. هویت و منشأ ابلیس

نام اصلی او «حارث» و کنیه اش «ابا مُرّه» ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۶ / ۶۳).^۱ این نام‌ها، اگرچه در ظاهر ساده به نظر می‌رسند، اما در باطن می‌توانند رمز و اشاره‌ای به ویژگی‌های این موجود داشته باشند. حارث به معنای کشاورز و کسی که به کار و کسب مشغول است، می‌تواند به فعالیت گسترده ابلیس در اغوا و گمراه کردن انسان‌ها اشاره داشته باشد. کنیه «ابا مُرّه» نیز که به معنای پدر تلخی و ناگواری است، حاکی از نقشی است که ابلیس در ایجاد رنج و عذاب برای انسان‌ها ایفا می‌کند. بر اساس این روایات، پس از آنکه خداوند آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید (برای اطلاع بیشتر در مورد این شش روز، به تفاسیر ذیل آیه ۴ سوره السجده و ۵۴ سوره الاعراف مراجعه شود)، در آخرین ساعت روز جمعه - ششمین روز خلقت - و یا بنا به نقلی دیگر، روز پنج‌شنبه (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۹ / ۶۳)،^۲ ابلیس از فرمان الهی برای سجده بر آدم سرپیچی کرد (ابن کثیر، ۱۴۱۳، ۱۵۳ / ۷). این نافرمانی، نقطه عطفی در سرنوشت او به شمار می‌رود و او را از رحمت الهی ناامید ساخت. به همین دلیل، خداوند او را «ابلیس» نامید که به معنای نومید شده از رحمت الهی است (ابن منظور، بی تا، ۲۹ / ۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۶ / ۶۳).^۳ این نام‌گذاری، نشان‌دهنده عمق گناه و سرپیچی ابلیس و جایگاه او در برابر رحمت و مغفرت الهی است.

در واقع؛ از منظر کلامی، دیدگاه نص‌گرایی، ابلیس را موجودی با هویت مشخص معرفی می‌کند: نام اصلی او «حارث» (کشاورز) که اشاره به فعالیت گسترده او در کاشتن بذر گمراهی دارد و کنیه «ابا مُرّه» (پدر تلخی) که نشانگر تلخی‌های ناشی از اعمال اوست. این رویکرد، تاریخ آفرینش او را با دقت در روز پنجشنبه یا جمعه (روز ششم خلقت) ثبت می‌کند که پس از سرپیچی از سجده بر آدم، به «ابلیس» (نومید از رحمت الهی) ملقب می‌گردد. این شناخت دقیق از هویت و تاریخ آفرینش او، بیانگر اهمیت شناخت جزئیات دشمن اصلی انسان در اندیشه نص‌گرایان است.

۲.۳. ابلیس در تقابل با خداوند

ابلیس خود را در نقطه مقابل خداوند قرار داده است. به این معنا که هر آنچه در نزد خداوند ناپسند است، برای خود برمی‌گزیند و هر آنچه پسندیده باشد را رها می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۲ / ۶۳).^۴ این تقابل، نشان‌دهنده وجود یک نوع نظام دوقطبی در عالم هستی است که ابلیس در آن، نقش قطب منفی و شر را ایفا می‌کند. او به عزت خداوند قسم خورده است که تا زمانی که روح در جسم آدمی است، از گمراه ساختن او دست برندارد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۳۹۳ / ۴؛ ابن حنبل، بی تا، ۹۴-۹۳ / ۱۰). این سوگند، حاکی از عزم راسخ و تلاش بی‌وقفه ابلیس برای به انحراف کشاندن انسان‌ها است. ابلیس، پس از آفرینش آدم، با بررسی دقیق او، متوجه شد که آدمی موجودی است که بر نفس خود تسلط کافی ندارد (مسلم نیشابوری، بی تا، ۱۲۰۹؛ ابن حنبل، بی تا، ۱۶۸ / ۱۱). این شناخت، باعث شد که ابلیس بر روی نقطه ضعف انسان‌ها متمرکز شود و از طریق وسوسه‌ها و القائات شیطانی، آنها را به سوی گناه و معصیت سوق دهد. در اینجا، ابلیس خود را در تقابل آگاهانه با خداوند تعریف کرده است؛ ناپسندهای الهی را برمی‌گزیند و پسندیده‌ها

^۱ - واسمه الحارث وکنيته أبو مرّة....

^۲ - الخميس يوم خامس من الدنيا وهو يوم أنيس لعن فيه إبليس....

^۳ - وإنما سماه الله إبليس لأنه أبلس من الخير كله....

^۴ - أجملك جميع ما يكره الله فهو مختاري وجميع ما يحب فهو منبذني....

را رها می‌کند. او با شناخت ضعف آدمی در کنترل نفس، به عزت خداوند سوگند خورده تا زمانی که روح در بدن انسان است، از گمراه‌سازی او دست نکشد؛ همین امر، ابلیس را در اندیشه کلامی گفتمان نص‌گرا به مثابه یک دعوتگر و مبلغی معرفی می‌کند که انسان را به سوی قطب منفی هستی که همان شقاوت و محرومیت از رضوان الهی است سوق می‌دهد.

۳.۳. ساختار سازمانی ابلیس

عرش ابلیس، ما بین زمین و آسمان قرار گرفته است و به تعداد فرشتگان الهی، نگهبان دارد.^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۲ / ۲۵؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۱۲۹۴). این ساختار سازمانی، نشان دهنده یک تشکیلات منظم و هدفمند است که ابلیس برای تحقق اهداف خود آن را ایجاد کرده است. در نقلی دیگر، ذکر شده که عرش او بر روی دریا قرار دارد و با مارها احاطه شده است.^۶ (ابن حنبل، بی‌تا، ۲۰۹ / ۱۰). این توصیفات نمادین، می‌تواند اشاره‌ای به قدرت و نفوذ ابلیس و همچنین فضای ناامن و هولناکی باشد که پیرامون او حاکم است. ابلیس، برخلاف آدم (ع) که از طریق همسرش نسلی پدید آورد، از طریق لواط با خود، صاحب ذریه شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴۶-۲۴۷ / ۶۳).^۷ این مسئله، نشان دهنده انحراف و پلیدی در منشأ نسل ابلیس است و از لحاظ اخلاقی، در تقابل کامل با خلقت و تکثیر نسل انسان‌ها از طریق ازدواج قرار دارد. به ازای هر انسانی که متولد می‌شود، دو نفر از ابلیس به وجود می‌آید. ابلیس و ذریه‌اش در سینه آدمیان جای می‌گیرند (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۷۶ / ۱).^۸ این موضوع، نشان دهنده حضور دائمی ابلیس در وجود انسان‌ها و نفوذ او در افکار و احساسات آن‌ها است. ابلیس به هنگام هر عملی در نزد انسان حاضر می‌شود.^۹ (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۹۷۶) و چون خونی که در همه بدن انسان جریان دارد، در او نفوذ می‌کند (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۱۰۳۹؛ بخاری، ۱۴۰۷، ۴۳۹ / ۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۷۶ / ۱).^{۱۰} این توصیف دقیق و رسا، بیانگر نفوذ عمیق و گسترده ابلیس در وجود انسان است. مادامی که انسان از یاد خدا غافل باشد، ابلیس بر قلب او القا می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۴ / ۶۳؛ ترمذی، بی‌تا، ۶۶۹).^{۱۱} به گونه‌ای که اگر این القائات نبود، انسان‌ها ملکوت آسمان‌ها و زمین را می‌دیدند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۳۲ / ۶۳ و ۵۹ / ۷۰).^{۱۲} این موضوع، نشان دهنده نقش ابلیس در ایجاد پرده غفلت بر چشمان انسان‌ها و جلوگیری از درک حقیقت است.

در یک جمع‌بندی؛ ساختار سازمانی ابلیس در دیدگاه کلامی گفتمان نص‌گرایی را می‌توان اینگونه تبیین کرد: ابلیس دارای مقر فرماندهی (عرش) بین زمین و آسمان یا بر روی دریاست که با نگهبانانی به تعداد فرشتگان الهی محافظت

^۵ - إن إبليس اتخذ عرشاً فيما بين السماء والأرض واتخذ زبانية بعدد الملائكة...

^۶ - أَرَى عَرْشًا عَلَى الْبَحْرِ، وَحَوْلَهُ الْحَيَاتُ.

^۷ - إن الله عز وجل حين أمر آدم أن يهبط هبط آدم وزوجته وهبط إبليس ولا زوجة له وهبطت الحية ولا زوج لها فكان أول من يلوط بنفسه إبليس فكانت ذريته من نفسه

^۸ - فقال إبليس رب هذا الذي كرمت علي وفضلته - و إن لم تفضل علي لم أقو عليه، قال: لا يولد له ولد إلا ولد لك ولدان.

^۹ - .. قال رسول الله صلى الله عليه وسلم "أقد جاءك شيطانك؟" قالت: يا رسول الله! أو معي شيطان؟ قال "نعم" قلت: ومع كل إنسان؟ قال "نعم"...

^{۱۰} - قال: تجري منه مجرى الدم في العروق...

^{۱۱} - ان الشيطان واضع خطمه على قلب ابن آدم فإذا ذكر الله سبحانه خنس وإن نسي التقم قلبه فذلك الوسواس الخناس...

^{۱۲} - لولا أن الشياطين يحومون على قلوب بني آدم لنظروا إلى ملكوت السماوات والأرض

می‌شود. نظام تکثیر او از طریق خودش بوده و به ازای هر انسان، دو نفر از نسل او متولد می‌شوند. شیوه عملیاتی او مبتنی بر نفوذ در سینه و قلب انسان‌هاست، به گونه‌ای که همچون خون در تمام وجود انسان جریان می‌یابد و در زمان غفلت از یاد خدا، با القائات خود مانع درک حقایق ملکوتی می‌شود.

۳.۴. ابزارهای گمراه سازی ابلیس

هر انسانی بر فطرت اسلام یا همان حنیف زاده می‌شود، اما شیاطین آن‌ها را غیر مسلمانان نموده و از مسیر فطرت منحرف می‌سازند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۲۵۳؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ۱۲۰-۱۲۱ / ۱۱).^{۱۳} این مسئله، نشان‌دهنده تأثیرپذیری انسان از محیط و اطرافیان خود و نقش شیاطین در ایجاد انحراف در این مسیر است.

در مقابل پیامبران که رسولان خدایند و کتاب و شریعت دارند، کتاب ابلیس خالکوبی بر بدن، قرائتش شعر، و پیامبرانش کاهنان هستند. طعام او هر غذایی است که نام خدا بر آن گفته نشده، نوشیدنی‌اش مسکرات، راستش دروغ، خانه‌اش حمام، دام‌هایش زنان، مودنانش نوازندگان و مساجدش بازارهایند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۱ / ۶۳).^{۱۴} این توصیف، بیانگر نظام ارزشی متفاوت و متضادی است که ابلیس برای گمراه کردن انسان‌ها به کار می‌گیرد. هر یک از این موارد، نمادی از انحراف از ارزش‌های الهی و انسانی است برای مثال؛ هنگامی که فرشتگان در میان ابرها، از آنچه قرار است در زمین اتفاق بیفتد سخن می‌گویند، شیاطین اندکی از آن سخنان را می‌شنوند، سپس این شنیده‌ها را با دروغ‌های فراوان در هم آمیخته به کاهنان می‌رسانند (بخاری، ۱۴۰۷، ۴۴۱ / ۲).^{۱۵}

در واقع؛ ابلیس با بهره‌گیری از نظام ارزشی متضاد با فطرت الهی، از ابزارهایی چون خالکوبی به جای کتاب، کاهنان به جای پیامبران، مسکرات به جای نوشیدنی حلال، و بازارها به جای مساجد استفاده می‌کند. همچنین با دستیابی به اخبار آسمانی و آمیختن آن با دروغ، از طریق کاهنان به گمراهی انسان‌ها می‌پردازد.

۳.۵. دستیاران و شیوه‌های وسوسه‌گری ابلیس

برخی از دستیاران ابلیس عبارتند از:

۱. حَنْزَب: شیطانی که در حال نماز سعی می‌کند تا انسان، حالت توجه را از دست بدهد^{۱۶} (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۱۰۵۰؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ۱۰۳ / ۱). این موضوع، نشان‌دهنده تلاش ابلیس برای جلوگیری از ارتباط معنوی انسان با خداوند است.

۲. الْوَلَهَان: شیطانی که می‌کوشد انسان در وضو گرفتار وسواس شود (ترمذی، بی‌تا، ۲۵).^{۱۷} وسواس و تردید در

^{۱۳} - وَإِنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي كُلَّهُمْ حَنَفَاءَ، فَأَتَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ، وَحَرَمْتُ عَلَيْهِمْ مَا أَحَلَّلْتُ، وَأَمَرْتُهُمْ أَنْ يَشْرَكُوا بِي مَا لَمْ أَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا... .

^{۱۴} - لَمَّا هَبَطَ إِبْلِيسُ قَالَ آدَمُ أَيُّ رَبِّ قَدْ لَعَنْتَهُ فَمَا عَلِمَهُ قَالَ السَّحَرُ قَالَ فَمَا قَرَأْتَهُ قَالَ الشَّعْرُ قَالَ فَمَا كَتَبْتَهُ قَالَ الْوَشْمُ قَالَ فَمَا طَعَامَهُ قَالَ كُلُّ مَيْتَةٍ وَمَا لَمْ يَذْكُرْ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ فَمَا شَرِبَهُ قَالَ كُلُّ مَسْكِرٍ قَالَ فَأَيْنَ مَسْكَنَهُ قَالَ الْحَمَامُ قَالَ فَأَيْنَ مَجْلِسَهُ قَالَ الْأَسْوَاقُ قَالَ فَمَا صَوْتَهُ قَالَ الْمَزْمَارُ قَالَ فَمَا مَصَابِيدهُ قَالَ النَّسَاءُ.

^{۱۵} - لَمَّا لَيْكَةً تَتَحَدَّثُ فِي الْعَنَانِ بِالْأَمْرِ يَكُونُ فِي الْأَرْضِ؛ فَتَسْمَعُ الشَّيَاطِينُ الْكَلِمَةَ، فَتَقْرُأُهَا فِي أُذُنِ الْكَاهِنِ كَمَا تَقْرَأُ الْقَارُورَةَ، فَيَزِيدُونَ مَعَهَا مَاءَةً كَذِبَةً.

^{۱۶} - ذَاكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ حَنْزَبٌ. فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ.

^{۱۷} - إِنَّ لِلْوُضُوءِ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْوَلَهَانُ فَاحْذَرُوهُ...

امور عبادی، یکی از شیوه‌های ابلیس برای مختل کردن عبادت و ایجاد شک و تردید در باورهای دینی است.

۳. الّهو: شیطانی که در خواب پیوسته همراه نفس آدمی است. هنگامی که روح در خواب تا آسمان اوج می‌گیرد، «الّهو» از همراهی او باز می‌ایستد و آنچه روح می‌بیند همان رؤیای صادقه است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۹۰۸).^{۱۸} این موضوع، نشان‌دهنده نقش شیاطین در ایجاد رویاهای آشفته و ناخوشایند است.

تنها و در عین حال بزرگترین حربه و سلاح ابلیس و لشکریانش در برابر آدمیان، وعده و آرزو است (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۷۶ / ۱).^{۱۹} وعده‌های فریبنده و آرزوهای دست‌نیافتنی، از جمله شیوه‌های ابلیس برای به دام انداختن انسان‌ها و دور کردن آن‌ها از مسیر حقیقت است. در عین حال، ابلیس و لشکریانش هیچ قدرتی در خلق و تکوین ندارند و شیطان هرگز خالق شر نیست و تا زمانی که اراده الهی نباشد، هیچ انسانی از ابلیس پیروی نمی‌کند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۱۱۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۱۰ / ۶۳).^{۲۰} این مسئله نشان‌دهنده حاکمیت و اراده مطلق خداوند بر همه امور است و ابلیس تنها نقش یک وسوسه‌گر را ایفا می‌کند.

در نتیجه، در گفتمان کلامی نص‌گرا، در نظام هستی حاکمیت و اراده مطلق تنها از آن خداوند است و بزرگترین سلاح ابلیس در این نظام تنها منحصر به وعده‌های فریبنده و ایجاد آرزوهای دست‌نیافتنی است، بدون کوچکترین قدرتی در خلق و تکوین؛ به گونه‌ای که حتی پس از ایفای کامل نقش وسوسه‌گری، باز هم بدون اراده الهی، هیچ انسانی از او پیروی نمی‌کند.

۳.۶. راهکارهای مقابله با ابلیس

خداوند برای یاری انسان در برابر ابلیس، به ازای هر انسان، یک یا دو فرشته می‌آفریند تا از او در برابر ابلیس محافظت کند. هر گناه انسان را یکی و هر حسنه او را از ده تا هفتصد برابر به حساب می‌آورد و مادامی که انسان روح در بدن دارد، توبه او را می‌پذیرد و پیوسته از گناهان او در می‌گذرد (عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۷۶ / ۱).^{۲۱} این موضوع، نشان‌دهنده رحمت بی‌کران خداوند و فرصت‌های بی‌شماری است که برای بازگشت به سوی او در اختیار انسان قرار داده شده است.

یاد خدا و استغفار به درگاه او، بزرگترین سلاحی است که آدمی با آن می‌تواند شیطان را خوار و ذلیل نماید (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۵۲؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۲۴۰ / ۱۰).^{۲۲} و ذکر خداوند، تنها چیزی است که به انسان در مقابل ابلیس مصونیت می‌بخشد (ترمذی، بی‌تا، ۶۴۰؛ صنعانی، ۱۴۰۳، ۳۴۰ / ۱۱).^{۲۳} و عبادات بارزترین مصادیق ذکر هستند؛ روزه، ابلیس را روسپاه می‌کند، صدقه، کمرش را می‌شکند و حب فی الله و مواظبت بر عمل صالح، امیدش را ناامید و استغفار،

^{۱۸} - وکل بالنفوس شیطان یقال له اللهو، فهو یخیل إلیها ویترأی لها إذا عرج بها، فإذا انتهت إلى السماء، فما رأت فهو الرؤیا التي تصدق.

^{۱۹} - قال: رب زدني قال: تعدهم و تمنیهم...

^{۲۰} - لو أراد الله أن لا یعصی ما خلق إبلیس.

^{۲۱} - فقال الله: السیئة بالسیئة، و الحسنة بعشرة أمثالها إلى سبع مائة قال: رب زدني - قال: لا یولد لك ولد إلا جعلت معه ملکین یحفظانه - قال: رب زدني - قال: التوبة معروضة فی الجسد ما دام فیها الروح - قال: رب زدني قال: أغفر الذنوب و لا أبالی قال: حسبي.

^{۲۲} - إنَّ الشیطانَ قال: وعزَّتک یا رب، لا أبرحُ أغوی عبادک ما دامت أرواحهم فی أجسادهم، قال الربُّ: وعزَّتی و جلالی لا أزال أغفرُ لهم ما استغفرونی.

^{۲۳} - وكذلك الشیطان لا یحرز منه إلا ذکر الله.

شاهرگش را قطع می کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۶۱ و ۲۶۴ / ۶۳).^{۲۴} ذکر محمد و آل محمد (ص)، از آن رو که جدا از یاد خداوند نیست، نیز سلاحی است که شیطان را از انسان دور می سازد. این سلاح علاوه بر مصونیت بخشی به انسان، لشکری از فرشتگان الهی را با انسان همراه می کند که شمشیرهای آتشین آنها، پیکر ابلیس را مجروح می سازد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۱ / ۶۳).^{۲۵} گذشته از آن، گروهی از انسان ها که به خدمت ابلیس درآمده و در زمره لشکریان او هستند (شیاطین انس)، تنها با صلوات بر محمد (ص) و آل او از انسان دور می شوند (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۳۴۲ / ۵).^{۲۶} خداوند در ماه رمضان برای شیطان و جنود او محدودیت هایی در گمراه سازی انسان ها قرار داده است (بخاری، ۱۴۰۷، ۴۳۹ / ۲؛ سیوطی، ۱۴۰۳، ۱۸۸ / ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۰۵ و ۲۶۱ / ۶۳).^{۲۷} و پس از سپری شدن بیست روز از این ماه، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را به سوی روزه دار می فرستد تا او را از هر شیطان رانده شده حفظ کنند (صدوق، بی تا، ۸۳).^{۲۸} در روز پس از شب قدر، شیطان اجازه ندارد همراه با خورشید خارج شود (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۳۲۴ / ۵).^{۲۹} در روز عرفه نیز به خاطر نزول رحمت الهی و گذشت خداوند از گناهان بزرگ بشر، شیطان غضبناک تر، حقیرتر و شکسته تر از همیشه است (طبری، ۱۴۱۲، ۱۵ / ۱۰).^{۳۰}

در حقیقت؛ نظام کلامی نص گرا، استراتژی دفاعی جامعی در برابر ابلیس ترسیم می کند که بر سه اصل بنیادی استوار است: پشتیبانی الهی، تقویت ارتباط معنوی، و زمان شناسی معنوی. در این نظام، خداوند هم نیروهای محافظ (فرشتگان) اختصاص داده و هم نظام تشویقی (ارزش گذاری چندبرابری حسنات) ایجاد کرده است. محور دفاعی انسان، ذکر و استغفار است که همچون سپر و شمشیری معنوی عمل می کند. هر عبادت، کارکرد تخصصی در تضعیف قوای ابلیس دارد و ارتباط با پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، لایه ای فراتر از حفاظت را تأمین می کند. این نظام دفاعی در برهه های زمانی خاص (مانند رمضان و عرفه) به اوج کارآمدی می رسد.

۷.۳. نقش ابلیس در حاکمیت، آخرازمان و رفتارهای روزمره

در حاکمیت، دولت آدم بر ابلیس زمانی است که رهبری جامعه در دست صالحان باشد و دولت ابلیس بر آدم، حاکمیتی است که با رهبری گمراهان محقق می شود (سلیم، ۱۴۰۵، ۴۱۶).^{۳۱} این موضوع نشان دهنده نقش رهبری صالح و عادل در سعادت و پیشرفت جامعه و نقش رهبران فاسد در انحطاط و گمراهی آن است. ابلیس در آخرازمان نیز به یاری دجال برمی خیزد و در ظهور معجزات دروغین و ایمان آوردن پیروان دجال به او، سهم

^{۲۴} - أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدُ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى قَالَ الصُّومُ يَسُودُ وَجْهَهُ وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَالْحَبُّ فِي اللَّهِ وَالْمَوَازِيرُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ وَالِاسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ.

^{۲۵} - فَكَلِمَا رَامُوهُ ذَكَرَ اللَّهُ وَصَلَى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ لَمْ يَجِدُوا عَلَيْهِ طَرِيقًا وَلَا مَنَافِذًا... فَيَقَاتِلُهُمْ بِأَزَاءِ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ مِنْهُمْ مِائَةَ أَلْفِ مَلِكٍ وَهُمْ عَلَى أَفْرَاسٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِيهِمْ سَيُوفٌ مِنْ نَارٍ وَرِمَاحٌ مِنْ نَارٍ وَقَسِي وَنَشَاشِيبٌ وَسَكَكِينَ وَأَسْلَحَتُهُمْ مِنْ نَارٍ.

^{۲۶} - وَشَيْطَانُ الْإِنْسِ، وَيَبْعِدُ بِالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ.

^{۲۷} - إِذَا طَلَعَ هَلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غَلَّتْ مَرْدَةُ الشَّيَاطِينِ.

^{۲۸} - فَإِذَا تَمَّ لَكُمْ عَشْرُونَ يَوْمًا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكُمْ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلِكٍ يَحْفَظُونَكُمْ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ...

^{۲۹} - وَلَا يَحِلُّ لِلشَّيْطَانِ أَنْ يَخْرُجَ مَعَهَا يَوْمَئِذٍ.

^{۳۰} - مَا رَأَى الشَّيْطَانُ يَوْمًا. هُوَ فِيهِ أَصْغَرُ، وَلَا أَذْخَرُ، وَلَا أَحْقَرُ، وَلَا أَغْيَظُ، مِنْهُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ.

^{۳۱} - إِذَا وَلَّى النَّاسُ إِمَامًا ضَلَالَةً فَهِيَ دَوْلَةُ إِبْلِيسَ عَلَى آدَمَ، وَإِذَا وَلَّيَهُمْ إِمَامٌ هَدَى فَهِيَ دَوْلَةُ آدَمَ عَلَى إِبْلِيسَ.

بسزایی دارد (صنعانی، ۱۴۰۳، ۳۹۱ / ۱۱).^{۳۲} این مسئله، نشان دهنده اوج تلاش‌های شیطانی در آخرالزمان برای گمراه ساختن انسان‌ها است.

برخی آداب و رفتارهایی که می‌تواند از تسلط ابلیس و جنود او بر انسان‌ها جلوگیری نماید، عبارتند از:

۱. رعایت کردن نکات بهداشتی (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۹-۲۰۰ و ۲۰۴ / ۶۳؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۹۶۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۲۴۸ / ۴).^{۳۳}
۲. رعایت احتیاط و نکات ایمنی (بخاری، ۱۴۰۷، ۴۳۹ و ۴۴۵ / ۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۴۲۱ و ۴۲۲ / ۴).^{۳۴}
۳. زیاده روی نکردن در ماتم عزیزان از دست رفته (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۴۱۰؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹، ۲۹۰ / ۳).^{۳۵}
۴. سه بار استنشاق بعد از بیدار شدن از خواب (بخاری، ۱۴۰۷، ۴۲۲ / ۲؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۱۲۸).^{۳۶}
۵. تنها مسافرت نکردن (ابی داود، ۱۴۱۸، ۱۱۲۸ / ۳).^{۳۷}
۶. رعایت کردن آدابی مانند دست جلوی دهان بردن در هنگام خمیازه (مسلم نیشابوری، بی‌تا، ۱۳۶۳؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۳۰۳ / ۱۰).^{۳۸}
۷. پرهیز از تفریحات عبثی چون کبوتر بازی (ابن ماجه، ۱۴۳۱، ۶۵۸؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ۳۶۰ / ۸).^{۳۹}
۸. ترک خوردن و آشامیدن و یا گرفتن و دادن چیزی به دیگری با دست چپ (ابن ماجه، ۱۴۳۱، ۵۷۹).^{۴۰}
۹. پاکی لباس (مالک بن انس، ۱۴۰۶، ۵۱۰).^{۴۱}
۱۰. جدیت و پشتکار در انجام کارها (ابن ماجه، ۱۴۳۱، ۷۳۸).^{۴۲}
۱۱. پرهیز از اسراف و زیاده روی در تهیه لوازم زندگی (ابو داود سجستانی، بی‌تا، ۲۴۴ / ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۶۲ / ۶۳).^{۴۳}

۳۲ - فیقول: بلی، فیتمثل له الشیطان نحو إبله كأحسن ما تكون ضروعا، وأعظمه أسنمة

۳۳ - «إِنَّ الشَّيْطَانَ خَسَّاسٌ لَخَاسٌ فَاحْذَرُوهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَنْ بَاتَ وَفِي يَدِهِ عَمَرٌ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

۳۴ - إِذَا اسْتَجَنَحَ اللَّيْلُ، أَوْ قَالَ: جُنْحُ اللَّيْلِ، فَكُفُّوا صَبْيَانَكُمْ -، فَإِنَّ الشَّيَاطِينَ تَنْتَشِرُ حِينَئِذٍ، فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ الْعِشَاءِ فَخَلُّوهُمْ، وَأَغْلِقْ بَابَكَ...

۳۵ - لما مات أبو سلمة قلت: (غريبة) وفي أرض (غربة) (لأبكيه) بكاء يتحدث عنه، فكنت قد تهيأت للبكاء إذ أقبلت امرأة من (الصعيد) تريد أن تسعدني فاستقبلها رسول الله ﷺ فقال: (تريدين) أن (تدخلي) الشيطان (بيتاً) أخرجه الله (منه) (مرتين)...

۳۶ - إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَلْيَسْتَنْثِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَبِيتُ عَلَى حَيَاشِيهِ.

۳۷ - الرَّأْيُ شَيْطَانٌ وَ الرَّأْيَانِ شَيْطَانَانِ وَ الثَّلَاثَةُ رَكْبٌ.

۳۸ - إِذَا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُمْسِكْ بِيَدِهِ عَلَى فِيهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ.

۳۹ - إنسان لحق حمامة فقال: شيطان يلاحق شيطانة.

۴۰ - لِيَأْكُلْ أَحَدُكُمْ بِيَمِينِهِ، وَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ، وَلْيَأْخُذْ بِيَمِينِهِ، وَلْيُعْطِ بِيَمِينِهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَيَشْرَبُ بِشِمَالِهِ، وَيُعْطِي بِشِمَالِهِ، وَيَأْخُذُ بِشِمَالِهِ.

۴۱ - إِنَّمَا ذَلِكَ رَكْضَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ. فَأَعْتَسِلِي، ثُمَّ اسْتَنْفِرِي بَنُوبٍ، ثُمَّ طُوفِي.

۴۲ - المؤمن القوي خير وأحب إلى الله تعالى من المؤمن الضعيف، وفي كل خير، احرص على ما ينفعك، ولا تعجز، فإن فاتك شيء فقل: قدر الله وما شاء فعل، وإياك واللو؛ فإنها تفتح عمل الشيطان.

۴۳ - إياك أن تركب ميثرة حمراء فإنها ميثرة إبليس.

۱۲. استفاده نکردن از افسون و تعویذ (ابو داود سجستانی، بی تا، ۱۳۰ / ۴).^{۴۴}
 ۱۳. انتخاب نام نیکو برای فرزندان (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ۴۱۵ / ۴).^{۴۵}
 ۱۴. غضبناک نشدن (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۰۴ / ۶۳؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ۳۴۶ / ۸).^{۴۶}
 ۱۵. به رو نخوابیدن (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۰۳ / ۶۳).^{۴۷}
 ۱۶. دشنام ندادن. (ابن حبان، ۱۴۱۴، ۳۸۷ / ۱).^{۴۸}
 ۱۷. شرکت در نماز جماعت (ابن خزیمه، ۱۴۰۵، ۷۱۹ / ۱).^{۴۹}
 ۱۸. پرهیز از نوازندگی و آوازه خوانی (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۹-۲۲۰ / ۶۳).^{۵۰}
 ۱۹. تفقه در دین داشتن (ترمذی، بی تا، ۶۰۴؛ ابن ماجه، ۱۴۳۱، ۴۴).^{۵۱}
 ۲۰. خواندن اذکار و دعاهایی که برای اوقات و مکان‌های خاص وارد شده است (ابو داود سجستانی، ۱۴۱۸، ۹۰-۹۱ / ۴ و ۱۱۹ و ۱۹۵ / ۵؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶، ۳۷۸-۳۷۹ / ۱۱).^{۵۲}
 ۲۱. غلو نکردن درباره رهبران و بزرگان (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۲۰۵ و ۲۲۶ / ۱۱).^{۵۳}
 ۲۲. تشکیل خانواده (صنعانی، ۱۴۰۳، ۱۷۱ / ۶).^{۵۴}
 ۲۳. همراه داشتن عصا (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶، ۲۷۹ / ۱۱).^{۵۵}
- دیدگاه نص‌گرایی اسلامی، نقش ابلیس را در سه حوزه حاکمیت، آخرالزمان و زندگی روزمره به‌طور گسترده تبیین می‌کند. در مبحث حاکمیت، معیار تشخیص "دولت آدم" از "دولت ابلیس" را رهبری صالحان یا گمراهان می‌داند، که این دوگانه‌انگاری به نوعی مشروعیت حکومت را به ماهیت رهبری آن پیوند می‌زند. در بُعد آخرالزمانی، مسئله همیاری ابلیس با دجال و نقش او در معجزه‌نمایی‌های فریبنده، نشان‌دهنده اوج منازعه حق و باطل در واپسین روزهای دنیاست. اما وجه متمایز این گفتمان، تعمیم حضور ابلیس به جزئی‌ترین رفتارهای زندگی است که در فهرستی ۲۳ گانه از احکام و آداب متجلی می‌شود. این نگاه، از نظافت شخصی و خواب تا آداب سفر و معاشرت را پوشش می‌دهد و زندگی مؤمنانه را نوعی مبارزه دائمی با ابلیس تلقی می‌کند. مجموعه این آموزه‌ها، پارادایمی فقهی-کلامی می‌سازد که هر عمل و آیین را ذیل دوگانه رحمانی-شیطانی تعریف می‌کند.
-
- ۴۴ - سُبُلُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَنِ الشُّرَّةِ، فَقَالَ: "هُوَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ."
 ۴۵ - كَانَتْ حَوَاءُ لَا يَعْيشُ لَهَا وَلَدٌ فَتَدْرْتُ لَيْنُ غَاشٍ لَهَا وَلَدٌ تُسَمِّيهِ عَبْدَ الْخَارِثِ فَعَاشَ لَهَا وَلَدٌ فَسَمَّيْتُهُ عَبْدَ الْخَارِثِ، وَإِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ عَنْ وَحْيٍ مِنَ الشَّيْطَانِ.
 ۴۶ - قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا نَفَخْتَهُمْ قَالَ هِيَ مَا يَنْفَخُونَ بِهِ عِنْدَ الْغَضَبِ فِي الْإِنْسَانِ الَّذِي يَحْمِلُونَهُ عَلَى هَلَاكِهِ...
 ۴۷ - ... وَنَوْمَ الشَّيَاطِينِ عَلَى وُجُوهِهِمْ.
 ۴۸ - "الْمُسْتَبْتَانِ شَيْطَانَانِ يَتَهَاتَرَانِ وَيَتَكَادَبَانِ."
 ۴۹ - مَا مِنْ ثَلَاثَةِ نَفَرٍ فِي قَرْيَةٍ وَلَا بَدْوٍ فَلَا تَقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ. فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ، فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذُّبُّ الْقَاصِيَةَ.
 ۵۰ - كَانَ إِبْلِيسُ أَوَّلَ مَنْ نَاحَ وَأَوَّلَ مَنْ تَغْنَى وَأَوَّلَ مَنْ حَدَا...
 ۵۱ - فَقِيَّةٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفٍ عَابِدٍ.
 ۵۲ - وَأَنْ أَحَدَكُمْ، إِذَا أَرَادَ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا، ثُمَّ قُدِّرْ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا وَلَدٌ فِي ذَلِكَ لَمْ يَصُرَّ شَيْطَانٌ أَبَدًا.
 ۵۳ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا بِقَوْلِكُمْ وَلَا يَسْتَهْوِيَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ أَنَا مُحَمَّدٌ، عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، مَا أَحَبُّ أَنْ تَرْفَعُونِي فَوْقَ مَا رَفَعَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.
 ۵۴ - .. وَأَرَادَ أَنْ يَنْفَخَ فِيهِمُ الشَّيْطَانُ، فَتَمَرَّسُوا...؟
 ۵۵ - حَمَلُ الْعَصِيِّ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَلَا يَجَاوِرُهُ الشَّيْطَانُ.

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گفتمان نص‌گرایی در روایات نبوی، رویکردی منحصر به فرد و عمیق به مقوله شیطان‌شناسی ارائه می‌دهد. این گفتمان، با تکیه بر متون روایی و پرهیز از تأویلات پیچیده، تصویری دقیق و روشن از ماهیت، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ابلیس ترسیم می‌کند.

بررسی روایات نبوی در چارچوب گفتمان نص‌گرایی آشکار می‌سازد که ابلیس موجودی حقیقی است که با نافرمانی از فرمان الهی، خود را در مسیر گمراهی انسان‌ها قرار داده است. این گفتمان، قدرت ابلیس را محدود به وسوسه و القائات می‌داند و بر این باور است که او فاقد توان خلق و تکوین است. همچنین، روایات نبوی راهکارهای روشنی برای مقابله با شیطان ارائه می‌دهند که عبارتند از: یاد خدا، استغفار، عبادت، و پرهیز از رفتارهای شیطانی.

نکته برجسته در رویکرد نص‌گرایی، تأکید بر فهم مستقیم و غیر تکلفی متون دینی است. این رویکرد نشان می‌دهد که مبارزه با ابلیس، مبارزه‌ای مستمر است که نیازمند هوشیاری، تلاش مداوم و ایمان راسخ است. محدثان برجسته اهل حدیث در شیعه و سنت، با ارائه روایات دقیق و منسجم، چارچوبی روشن برای درک ماهیت شیطان فراهم کرده‌اند.

۵. منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش، مدخل: ابلیس، *دائرة المعارف الاسلامی*، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، دوم، ۱۳۷۴ ش.
۲. آلوسی، سید محمود. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق: علی عبدالباری عطیة. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۳. البانی، محمد ناصرالدین. *التعلیقات الحسان علی صحیح ابن حبان*. جده: دار باوزیر، ۱۴۲۴ ق. / ۲۰۰۳ م.
۴. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد. *المصنف*. باهتمام: مختار الندوی. بمبئی: الدار السلفیة، ۱۴۰۲ ق. / ۱۹۸۲ م.
۵. ابن حبان، أبو حاتم محمد. *المسند الصحیح علی التقاسیم والأنواع*. تحقیق: محمد علی سونمز، خالص آی دمیر، بیروت، دار ابن حزم، ۲۰۱۲ م.
۵. ابن حنبل. احمد، *المسند*. تحقیق: محمد شاکر و حمزه الزین. قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق. / ۱۹۹۵ م.
۶. ابن خزیمه، محمد ابن اسحاق. *الصحیح*. تحقیق: محمد الاعظمی. بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو. *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق: محمد حسین شمس الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۸. ابن ماجه، محمد بن یزید. *السنن*. تحقیق: محمد بربر. صیدا-بیروت: المکتبة العصرية، ۱۴۳۱ ق. / ۲۰۱۰ م.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم. *لسان العرب*. بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. ابو عبیده، معمر بن مثنی. *مجاز القرآن*. تحقیق: محمد فؤاد سزگین. قاهره: مکتبة الخانجی، ۱۳۸۱ ق.
۱۱. ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث. *السنن*. تحقیق: عزت الدعاس و عادل السید. بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۸ ق. / ۱۹۹۷ م.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل. *الصحیح*. تحقیق: محب الدین الخطیب و دیگران. قاهره: المطبعة السلفية، ۱۴۰۰ ق.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی. *السنن*. تعلیقه: ناصرالدین البانی، تحقیق: آل سلمان. ریاض: مکتبة المعارف، بی‌تا.
۱۴. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. *المستدرک علی الصحیحین*. قاهره: دارالحرمین، ۱۴۱۷ ق. / ۱۹۹۷ م.

۱۵. حکیم ترمذی، محمد بن علی. *نوادیر الاصول فی معرفة احادیث الرسول*. تحقیق: اسماعیل عوض. قاهره: مكتبة الامام البخاری، ۱۴۲۹ق. / ۲۰۰۸م.
۱۶. دهقانی، روح الله. اکرمی، ایوب. کریمی، ابوالقاسم. «گفتمان عقلگرایی و نص‌گرایی در قرن چهارم و نقش آن در تنوع فهم حدیث با تأکید بر روایات اعتقادی شیعه». مطالعات فهم حدیث، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۲۳۱-۲۵۰.
۱۷. سبحانی، جعفر. *دانشنامه کلام اسلامی*. قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷ش.
۱۸. سلیم بن قیس هلالی. *اسرار آل محمد (کتاب سلیم)*. قم: انتشارات الهادی، ۱۴۱۵ق.
۱۹. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. *وسائل الشیعة*. قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بابویه. *فضائل الأشهر الثلاثة*. تحقیق: المیرزا غلامرضا عرفانیان. نجف: مطبعة الآداب، بی‌تا.
۲۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام. *المصنف*. تحقیق: حبیب الرحمن الاعظمی. بیروت: المجلس العلمي (المکتب الاسلامی)، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق. / ۱۹۸۳م.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مقدمه: محمدجواد بلاغی. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۴. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق: رسولی محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود. *التفسیر*. تحقیق: رسولی محلاتی. تهران: نشر الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۲۶. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۷. فیض کاشانی، ملا محسن. *تفسیر المصافی*. تحقیق: حسین اعلمی. تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر. *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ش.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم. *تفسیر*. قم: موسسه دارالکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۳۰. مالک بن انس. *الموطأ*. تحقیق: خلیل مأمون. بیروت: دارالمعرفة، چاپ دوم، ۱۴۲۹ق. / ۲۰۰۸م.
۳۱. مجلسی، محمدباقر. *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۳۲. محدث نوری، میرزا حسین. *مستدرک الوسائل*. قم: موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۳۳. مراغی، احمد بن مصطفی. *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۴. مسلم نیشابوری، ابن حجاج. *الصحيح*. تحقیق: الفاریابی. ریاض: دار طيبة، ۱۴۲۷ق. / ۲۰۰۶م.
۳۵. مغنیه، محمد جواد. *تفسیر الکاشف*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
۳۶. مکرم مشرقی. *جمان من فضة معجم اسماء الكتاب المقدس*. مصر: مكتبة الاخوة، بی‌تا.
۳۷. میبدی، رشیدالدین احمد. *کشف الأسرار*. تحقیق: علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
۳۸. نسایی، احمد بن شعیب. *السنن*. تعلیقه: ناصرالدین البانی، تحقیق: آل سلمان. ریاض: مكتبة المعارف، بی‌تا.